

”

سیاست سازمان انرژی اتمی توی حوزه بومی سازی و برنامه ریزی برای رشد پله به پله جمکو را می گذارم در کنار آن آقای مدیرکل آب که به فکر میزش بی اعتمادی بود. اگر بنا به بی اعتمادی باشد، نیروگاه اتمی خیلی حساس تر است. اگر سازمان انرژی اتمی به ما اعتماد نمی کرد، کی باورش می شد ما از پس اورهال نیروگاه اتمی بر بیاییم؟ اعتماد آنها باعث شده حالا ادعا کنیم اگر لازم باشد مثل آن موتورها راهم می سازیم.

لاف نمی زنی؟

از سالن خط تولید بیرون می آمدیم که یکی از کارشناس های بازدیدکننده آمد نزدیکم. در گوشم گفت: «اصلاً دوست داشتیم از خارج بیاریم. به شما چه!» صدایم رفت بالا: «مگه ارث باباته که دوست داشتی؟ تو چه کاره ای که به بیت المال بگی دوست دارم؟» خلاصه من چهارتا گفتم و او هم کم نیاورد. کم مانده بود دست به یقه شویم که مهندس رشیدی و بقیه نیروها رسیدند. کارشناس ها رفتند و من ماندم و بچه ها.

چی شده مهندس؟ شما که اهل داد و بی داد نبودین!

ماجرای ما از تابستان ۱۳۹۷ شروع شد. توی جلسه ای که وزارت نفت در تهران ترتیب داده بود، تمام تولیدکننده های مرتبط با صنعت نفت جمع شدند. قرار بود خط لوله ای برای انتقال نفت کشیده شود. پروژه استراتژیکی بود که باعث فروش بیشتر نفت و ثبات منطقه



می شد. توی جلسه گفتند: «این خط لوله باید تا جایی که ممکنه بومی باشه.»

این خط لوله حداقل ۵۰ تا الکتروپمپ ضد انفجار لازم داشت. الکتروپمپ ها را به یک شرکت پمپ ساز داخلی سفارش دادند که بعداً فهمیدیم پیمانکار موتور ضد انفجار این الکتروپمپ ها را از خارج کشور خریده. از همان موقع رفت و آمد و تماس با مسئولین طرح را شروع کردم. گفتند: «مبلغ شما در مزایده بالاتر از جنس خارجی بوده.» در صورتی که ما یک پک کامل با متعلقات را ارائه کرده بودیم و چینی ها قیمت متعلقات موتور را نگفته بودند. بعداً خبر مبلغ موتورها به ما رسید، هر یکی که ما به ۷ میلیارد تومان قیمت داده بودیم، به دو تا سه برابر قیمت خریده بودند! توی این مدت آدم های بقیه بسته با پیشانی کبود از سجده که دم از شهید و شهادت می زدند و غروب چهارشنبه چیه تراش می کردند زیاد دیدم. بعضی مسئولین هم ادعای حمایت از کالای ایرانی نداشتند و توی رویت می گفتند ما از شما نمی خریم. گفتم: «ما موتور ضد انفجار برای خط لوله گاز کشیدیم، گاز که از نفت خام خطرناک تر نیست.» ولی انگار نه انگار! توی همین رفت و آمدها به یکی از مسئولین گفتم: «اگر دین ندارین لاقبل آزاده باشین! خوب دو تا سفارش هم به ما بدین که مردم بدونن ما هم توان ساخت شو داریم.» ولی فایده نداشت.

خسته نشدم؛ شروع کردم به مصاحبه با خبرگزاری و روزنامه و صدا و سیما. گفتم: «هر موتور و متعلقاتش را ما ۷ میلیارد تومان قیمت دادیم و آنها حداقل دو برابر خریدند. ۵۰ تا موتور بوده؛ حساب کنین چند میلیارد از پول مردم